

شرایط فرهنگی و سیاسی در دوران امام سجاد علیه السلام و برخورد ایشان با این دوران

النوره حیدرآوا^۱

چکیده

شناخت تاریخ و اسلوب رفتاری و روش نظری و عملی ائمه معصوم علیهم السلام یکی از مهمترین مسئولیت‌های دینی- فرهنگی مسلمانان به‌ویژه شیعیان در هر دوره‌ای از تاریخ است؛ زیرا تنها با تأسی به منش و رفتار ایشان و نقش‌پذیری جامعه انسانی در ابعاد زمینه‌های متفاوت فردی و اجتماعی از روش زندگی ایشان است که می‌توان مسیر سعادت و خوشبختی را ترسیم بخشید. علاوه بر آن تأسی به سیره ائمه هدی علیهم السلام در تمام زمینه‌ها برای تداوم مکتب اسلام و تکمیل معارف آن و نیز در تمام صحنه‌های رویاروی حق و باطل، امری لازم و ضروری است و می‌تواند راه‌گشای بسیاری از مسائل و معضلات جامعه اسلامی باشد. در نتیجه نیاز است بیش‌ازپیش ادوار زندگانی و سیره معصومان علیهم السلام را مانند الگوی روشی و راهبردی مورد توجه قرار داد. پژوهش حاضر در نظر دارد با روش توصیفی-تحلیلی شرایط فرهنگی-سیاسی دوران امام سجاد علیه السلام و روش مواجهه ایشان با این شرایط را مورد توجه قرار دهد.

واژگان کلیدی: فرهنگی و اجتماعی، امویان، عصر امام سجاد علیه السلام.

۱. مقدمه

یکی از مباحثی که تاکنون در تاریخ و سیره امان معصوم علیهم السلام کمتر به آن پرداخته شده، بررسی عصر امامت سجاد علیه السلام و نقش آن حضرت در رهبری شیعیان، پس از شهادت پدر بزرگوارشان امام حسین علیه السلام است. اهمیت شناخت و لزوم مطالعه این موضوع زمانی روشن‌تر می‌شود که مشخص

^۱ فارغ‌التحصیل دوره کارشناسی تاریخ اسلام، از کشور گرجستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم العالمیه، قم، ایران.

شود گروهی از مورخان و نویسندگان بر این باورند که امام سجاد علیه السلام پس از واقعه جانگداز عاشورا از امور اجتماعی و سیاسی کناره گرفت و به مسائل عبادی و شخصی خود روی آورد و نه تنها نسبت به خلفای بنی امیه هیچ گونه اعتراض و موضع گیری منفی از خود نشان نداد، بلکه از مطیع ترین و محبوب ترین افراد اهل بیت علیهم السلام نزد دستگاه حاکم بود. ابن سعد به نقل از زهری می نویسد: «علی بن الحسین علیه السلام میانه روترین، مطیع ترین و محبوب ترین فرد خاندان خویش نزد مروان و عبدالملک بود» (ابن سعد کاتب و اقدی، ۱۴۱۰، ۱۶۶/۵). روزبهان خنجی نیز در این زمینه می گوید: «آن حضرت بلندعزم و قصد است و بلندهمت است؛ زیرا اصلاً التفات به خلافت صوری نفرمود و عزم و همت خود را مخصوص و مقصور بر عبادت و امور آخرت ساخت» (خنجی اصفهانی، ۱۳۷۵، ص ۱۷۷). این گفته ها و اظهار نظرها، نمونه ای از دیدگاه های نادرست و یک سو نگرانه بعضی از نویسندگان نسبت به امام سجاد علیه السلام است. این درحالی است که اگر به کتاب های مربوط به زندگی امام سجاد علیه السلام نظر شود نتیجه ای عکس این سخنان به دست می آید.

هدف از پژوهش حاضر بررسی ابعاد گوناگون فعالیت های امام سجاد علیه السلام است که در راستای انجام رسالت بزرگ و مقدس هدایت و رهبری شیعه صورت گرفته و بیان و تشریح این موضوع که کناره گیری امام علیه السلام از مردم و سکونت در بادیه (چنان که در بعضی از روایات آمده) و نیز بیماری حضرت بنا به مصلحت و حکمت الهی برای زنده ماندن ایشان بوده و تنها در مدت کوتاهی از زمان جریان داشته است و ایشان با بهره گیری از اصل تقیه و در نظر گرفتن اوضاع و شرایط حاکم بر جامعه به هدایت و رهبری شیعیان می پرداختند. تحقیق حاضر پاسخ گوی این سؤال اصلی است که پس از واقعه کربلا، شرایط فرهنگی و سیاسی در دوران امام سجاد علیه السلام چه طور و برخورد امام علیه السلام با این دوران چگونه بوده است.

۲. نگاهی گذرا به شخصیت امام سجاد علیه السلام

حضرت زین العابدین علیه السلام بنا بر نقل مشهور در روز پنجشنبه، پنجم شعبان المعظم سال ۳۸ هجری قمری دیده به جهان گشود. (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۱۳۹/۲) در این روز، عالم هستی با قدم بزرگوارترین نور

رسید، غرق در سرور و شادی شد. دنیا با ولادت زین العابدین علیه السلام درخشید. امامی که چشمه سارهای دانش و حکمت را در زمین شکافت و با راه و روش زندگی خود برجسته‌ترین نمونه‌ها و بالاترین درس‌ها را به مردم دنیا هدیه کرد. سال تولد این امام سال ۳۸ هجری است که معروف‌ترین و صحیح‌ترین نظر شناخته می‌شود. برخی از مورخان و محدثان آن را سال ۳۷ (امین، ۱۳۸۰، ۱/۶۲۹؛ طبرسی، ۱۴۱۷، ص ۲۵۱) ۳۶ و حتی ۳۵ می‌دانند. اگر این سخن پذیرفته شود درست این است که امام سجاد علیه السلام یا در همین سال و یا در سال‌های قبل متولد شده است. در روز و ماه ولادت ایشان نیز با در نظر گرفتن اختلاف نظرها دو دیدگاه معروف است:

- بیشتر مورخان، پنجشنبه، پنجم شعبان المعظم را ترجیح داده‌اند (اربلی، ۱۳۸۱، ۲/۲۶۰؛ امین، ۱۳۸۰، ۱/۶۲۹؛ محمد صبان، ۱۳۸۴، ص ۲۱۶؛ شبلیجی، بی تا، ص ۱۳۹؛ مالکی، بی تا، ص ۲۰۱)
- برخی دیگر جمعه یا یکشنبه نیمه ماه جمادی الاولی را برگزیده‌اند (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰، ۳/۳۱۰؛ مجلسی، بی تا، ۱۴/۴۶).

همان‌طور که درباره زمان تولد امام سجاد علیه السلام اختلاف نظر است درباره محل تولد ایشان نیز دیدگاه‌های مختلفی ذکر شده است. بنابر گفته مشهور، شهر مدینه محل تولد امام زین العابدین علیه السلام بوده است. (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۲/۱۳۷؛ علی بن عیسی اربلی، ۱۳۸۱، ۲/۲۸۵)، اما بعضی محل تولد او را شهر کوفه می‌دانند. به نظر می‌رسد دیدگاه اخیر به حقیقت نزدیک باشد هر چند برخی نویسندگان مانند ابن جریر طبری در کتاب دلائل الامامه حتی به خانه‌ای که امام سجاد علیه السلام در آن متولد شده است، اشاره کرده و گفته که آن حضرت در خانه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام قدم به جهان هستی گذاشته است (طبری، ۱۴۱۳، ص ۸۰)؛ زیرا امام علی علیه السلام همراه فرزندانش امام حسن و امام حسین علیهم السلام از سال ۳۶ هجری تا زمان شهادتش (۴۰ هجری) در کوفه بود. قرائن و شواهد تاریخی در اقامت فرزند امام علی علیه السلام در کوفه و همراهی ایشان با امیرالمؤمنین علیه السلام در نبردهای این دوره دلالت دارد.

در یکی از روزهای نبرد صفین، زمانی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرزند خود امام حسن علیه السلام را دید که دلیرانه به طرف میدان جنگ می‌شتابد، فرمود: «این جوان را نگه دارید و به آمدن با من نگذارید (تا

قصدها جنگ نکنند) و پشت مرا نکشند. دریغم آید که این دورا مرگ فرارسد و با کشته شدن آنان دودمان رسول خدا به سررسد» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷). پس بدیهی است که امام حسین علیه السلام و اعضای خانواده آن حضرت با امام علی علیه السلام در کوفه بوده‌اند و هیچ‌یک از ایشان در طول خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مدینه اقامت نداشتند.

پدر بزرگوار امام زین العابدین علیه السلام، حضرت حسین بن علی سیدالشهدا علیه السلام است. برخی امام سجاد علیه السلام را بزرگ‌ترین فرزند امام حسین علیه السلام دانسته‌اند (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۱۳۶؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۷، ص ۲۵۱)، ولی از بیشتر منابع تاریخی چنین استفاده می‌شود که حضرت علی اکبر، بزرگ‌ترین پسر خانواده بوده است و امام سجاد علیه السلام از وی سن کمتری داشته است. براین اساس زین العابدین را علی اوسط نامیده‌اند (امین، ۱۳۸۰/۱، ۶۲۹؛ اربلی، ۱۳۸۱، ۲/۲۶۰؛ یعقوبی، ۱۳۷۳، ۲/۲۴۶)؛ زیرا آن حضرت در سال ۳۸ هجری قمری متولد شد و در واقعه عاشورا بیست و سه سال داشت، اما علی اکبر در یازدهم شعبان سال ۳۳ یعنی، دو سال قبل از کشته شدن عثمان ولادت یافت و در کربلا حدود بیست و هفت سال داشت. خود امام سجاد علیه السلام نیز بر این مطلب که از برادر شهیدش کوچک‌تر است، تصریح می‌کند. وقتی در کوفه در مجلس ابن زیاد وی با او گفت‌وگو می‌کند، آن حضرت فرمود: «من برادری از خود بزرگ‌تر داشتم که نام او نیز علی بود و شما او را به شهادت رساندید». مادر بزرگوار امام سجاد علیه السلام بنا بر قول مشهور دختر یزدگرد سوم که نامش شاه زنان بوده است و به گفته برخی نام او شهربانو بوده است (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۲/۱۳۸).

وی طی فتوحات شهرهای ایران به دست مسلمانان اسیر شد و از ایران به مدینه برده شد و در پرتو حمایت امیرالمؤمنین علیه السلام آزاد و به همسری فرزند بزرگوار ایشان امام حسین بن علی علیه السلام درآمد و افتخار یافت تا مادر امام زین العابدین علیه السلام باشد و نه امام معصوم از نسل او پدید آید. امام علی علیه السلام درباره او به فرزندش امام حسین علیه السلام سفارش کرده و فرمود: «از همسرت شهربانو خوب محافظت و نگهداری کن و به او نیکی نما. چه اینکه در آینده‌ای نزدیک برای تو فرزندی خواهد آورد که بهترین اهل زمین خواهد بود» (شیخ کلینی، ۱۳۶۳، ۲/۳۶۹؛ امین، ۱۳۸۰، ۱/۶۲۹). روز شهادت امام سجاد نیز ۱۸، ۲۲ و ۲۵ محرم نقل شده که روز ۲۵ شهرت بیشتری دارد. براساس این روایات، امام سجاد علیه السلام ۵۷ یا ۵۸ سال عمر کرد

(علامه مجلسی، بی تا، ۱۵۱/۴۶؛ شیخ کلینی، ۱۳۶۳/۱، ۴۶۸). پس از شهادت در قطعه‌ای از بقیع که عباس، عموی پیامبر، دفن شده بود و امام صادق و حضرت امام باقر نیز دفن شدند، مدفون شد. مورخین درباره قاتل امام با هم اختلاف دارند. بعضی معتقدند امام به دست ولید مسموم شد و برخی دیگر معتقدند به دست هشام بن عبدالملک که برادر خلیفه بود، اما او نیز نمی‌توانست بدون اجازه ولید، مرتکب قتل امام شود (علامه مجلسی، بی تا، ۱۵۲/۴۶).

مورخان، دوران امامت علی بن الحسین علیه السلام را گوناگون ثبت کرده‌اند. بعضی ۳۳ (ابن صباغ مالکی، بی تا، ص ۲۰۸) سال و برخی ۳۴ (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۱۳۹/۲؛ طبرسی، ۱۴۱۷، ص ۲۵۲) سال و بیشتر تاریخ‌نگاران ۳۵ (طبری، ۱۴۱۳، ص ۸۰؛ شیخ کلینی، ۱۳۶۳، ۳۷۲/۲؛ علامه مجلسی، بی تا، ۱۵۴/۴۶) سال و چند ماه را یادآور شده‌اند و همین نظریه اخیر، رأی مشهور است. قول ضعیفی هم مدت امامت آن حضرت را ۲۰ سال دانسته است. این اختلاف بی‌شک نتیجه اختلاف در سال رحلت امام سجاد علیه السلام است؛ یعنی مربوط به پایان امامت آن حضرت است و نه آغاز آن؛ زیرا در اینکه محرم سال ۶۱ ق آغاز امامت زین العابدین علیه السلام بوده، هیچ تردیدی نیست.

۳. زندگی سیاسی و فرهنگی امام سجاد علیه السلام

از زمانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکومت اسلامی را در مدینه بنیاد نهاد تا زمان خلافت امام علی علیه السلام رسم بر این بود که حاکمان مسلمان در مسائل سیاسی و اجتماعی با مردم مشورت می‌کردند و نظرشان را جویا می‌شدند. در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله آنجا که سخن از حکم شرعی نبود، پیامبر صلی الله علیه و آله در موقعی با یاران خود مشورت می‌کرد. در سال‌های آخر خلافت عثمان به‌ویژه زمانی که مردم از عملکرد وی ناخرسند بودند، عثمان از مردم خواست تا اگر بر او اعتراضی دارند، بگویند و حتی خود در جمع مردم حاضر شد و به خرده‌گیران وعده داد که در اصلاح کارها بکوشد (بلاذری، ۱۳۹۷، ۱۸۰/۶)، اما اطرافیانش به وی مجال اصلاح ندادند. از عصر حاکمیت معاویه به بعد به تدریج راه خرده‌گیری بر خلفا و عاملان آنها بسته شد و هر که به گفتار یا کردار خلفا یا کارگزاران آنها اعتراض می‌کرد، گرفتار بازجویی، تهدید و آزار شده یا کشته می‌شد؛ چنان‌که حجر بن عدی و یارانش که ناسزاگفتن به حضرت علی علیه السلام را روا

نمی‌شمرد به دست معاویه به شهادت رسیدند. همچنین روزی که معاویه درباره ولایت عهدی یزید از مردم نظر خواست، احنف بن قیس خاموش نشست. معاویه گفت: «تو چرا سخن نمی‌گویی و او گفت: اگر حق بگویم، از تو می‌ترسم و اگر باطل بگویم از خدا می‌ترسم» (المبرد، ۱۴۱۹، ۱/۹۸). هرچه از شمار مهاجران و انصار و مسلمانان معتقد کاسته می‌شد، نشانه‌های ضعف در اجرای احکام الهی (امر به معروف و نهی از منکر) آشکارتر می‌شد.

نسلی که در دوره حکومت امویان روی کار آمد نه از اسلام دوره حضرت رسول اکرم ﷺ آگاهی داشت و نه سختگیری و مراقب زمامداران پس از او را دیده بود. چنین نسلی در روزگار آشوب پرورش یافت و در دوره خشونت، سررشته امور را به دست گرفت. طبیعی بود که از اسلام حقیقی و عدالتی که رکن آن دین است، چیزی ندارد. این دگرگونی‌ها و انحرافات بر کسانی که بازماندگان دوره حاکمیت عدالت و مساوات بودند، گران می‌افتاد و افسوس می‌خوردند و نمی‌توانستند کاری از پیش ببرند. (شهیدی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۸)

۳-۱. انحطاط فکری و اخلاقی جامعه در عصر امام سجاد علیه السلام

از نیمه دوم خلافت عثمان به بعد (سال سی‌ام هجری) خانواده‌هایی از اشراف و ثروتمندان قریش که درآمد فراوانی از خزانه دولت به چنگ آورده بودند و نیز از بخشش‌های خلفا بهره‌مند بودند، شروع به مال‌اندوزی کردند. زیاد شدن دارایی، تشکیل زندگی‌های پرتجمل همراه با وسایل آسایش زیاد را موجب شد به گونه‌ای که در این باره با یکدیگر به رقابت پرداختند و کنیزکان و غلامان بسیاری خریدند به ویژه کنیزکانی که به موسیقی و آواز خوانی آگاه باشند. به تدریج مردم دیگر نیز در این کار به آنان اقتدا کردند. انحطاط اخلاقی در عصر حاکمیت یزید به حدی گسترش یافت که دو شهر مکه و مدینه نیز این آلودگی‌ها محفوظ نماندند. قتل عام زنان و مردان در واقعه حره و تجاوز به حرم مسلمانان که در نوع خود به سابقه بود، روحیه مردم شهر را دگرگون ساخت. اشراف و ثروتمندان بی‌اعتنا به احکام دینی و اخلاقی اسلام، برای رهایی از رنج درون و بی‌خبر ماندن از آنچه در پیرامونشان می‌گذشت به می‌گساری و شنیدن آواز خنیاگران روی آوردند.

۳-۲. وضعیت شیعیان در عصر امام سجاد علیه السلام

پس از واقعه جان‌گداز کربلا، تشیع از نظر کمی و کیفی و همچنین در بعد سیاسی و اعتقادی در وضع بدی قرار گرفت. انعکاس این واقعه موجی از رعب و وحشت بر محافل شیعه حکم فرما کرد؛ زیرا مسلم شد یزید و عمالش برای استحکام پایه‌های حکومت خود تا حد کشتن فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام و اثر کردن زنان و فرزندان او آماده‌اند و در این راه از هیچ جنایتی فروگذار نمی‌کنند. اختناق، ترس و وحشت که در کوفه و مدینه به وجود آمده بود با وقوع فاجعه حره و سرکوب شدید و بی‌رحمانه نهضت مردم مدینه به دست عاملان یزید در سال ۶۳ هجری، شدت یافت و اختناق شدیدی در محافل شیعه حاکم گردید. در نتیجه، انسجام و تشکل جامعه شیعه به ضعف و سستی گرایید و سرانجام فروپاشید. امام سجاد علیه السلام با اشاره به این وضع ناگوار، می‌فرماید: «در تمام مکه و مدینه، بیست نفر نیستند که ما را دوست بدارند» (ابن ابی الحدید، ۱۴۱۵، ۴/۱۰۴).

مسعودی تصریح می‌کند: «علی بن الحسین علیه السلام امامت را به صورت مخفی و با تقیه شدید و در زمانی دشوار عهده‌دار شد». امام صادق علیه السلام در بیان این وضع آندوه‌بار می‌فرماید: «مردم پس از شهادت حسین بن علی علیه السلام برگشتند (از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله فاصله گرفتند)، جز سه نفر: ابو خالد کابلی، یحیی بن ام‌الطویل و جبیر بن مطعم، سپس افرادی به آنها پیوستند و تعدادشان زیاد گردید. یحیی بن ام‌الطویل به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه می‌رفت و خطاب به مردم می‌گفت: ما مخالف و منکر شما هستیم و میان ما و شما دشمنی و خشم و کینه، آشکار و همیشگی است» (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۶۴).

فضل بن شاذان می‌گوید: «در آغاز امامت علی بن الحسین علیه السلام جز پنج نفر پیرو او نبودند: سعید بن جبیر، سعید بن مسیب، محمد بن مطعم، یحیی بن ام‌الطویل و ابو خالد کابلی». (شیخ طوسی، ۱۴۰۴، ۱/۳۳۲) در چنین وضعی، امکان قیام برای امام سجاد علیه السلام منتفی بود؛ زیرا با رعب و اختناق شدیدی که در جامعه حکم فرما شده بود و با تسلط شدیدی که حکومت جبار اموی برقرار ساخته بود، هرگونه جنبش و حرکت مسلحانه پیشاپیش محکوم به شکست بود کوچک‌ترین حرکت از دید

جاسوسان حکومت اموی پنهان نمی‌ماند. روزی جاسوسان عبدالملک در مدینه به وی گزارش دادند که علی بن الحسین علیه السلام کنیزی داشته، او را آزاد کرده و سپس وی را به ازدواج خود درآورده است. عبدالملک طی نامه‌ای که به امام نوشت، آن کار را برای آن حضرت نقص شمرد و اعتراض کرد که چرا حضرت با یکی از افراد هم‌شأن خود از قریش ازدواج نکرده است. امام در پاسخ نوشت: «بزرگ‌تر و بالاتر از پیامبر صلی الله علیه و آله نبود. او کنیز و زن مطلقه برده خود را به همسری گرفت. خداوند هر پستی را با اسلام بالا برد و هر نقصی را با آن کامل ساخت و هر لثیمی را در پرتو آن کریم ساخت. پس هیچ فرد مسلمانی پست نیست و پستی‌ای جز پستی جاهلیت نمی‌باشد» (ابن سعد، ۱۴۱۰، ۵/۱۶۵؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰، ص ۱۶۲).

در مجموع باید گفت وجود این شرایط سبب شد تا به تدریج، محبان و شیعیان امام علی علیه السلام در پوششی از تقیه زندگی و از تظاهر به دوستی با اهل بیت علیهم السلام خودداری کنند. (محمد حسین مظفر، بی تا، ص ۳۶) امام سجاد علیه السلام با ظهور در سیمای یک فقیه و محدث به بیان فتوایا نقل احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله اقدام کرد و بدین وسیله، محل رجوع مردم از شیعه و اهل سنت قرار گرفت. منتها شیعیان در عرصه تبلیغ و فعالیت‌های سیاسی از سوی بنی مروان به شدت تحت نظر بودند و هرگونه نهضتی از سوی آنان با شکست همراه می‌شد.

۳-۳. خلفای معاصر امام سجاد علیه السلام

در مدت ۳۴ سال امامت و هدایت امام زین العابدین علیه السلام شش خلیفه بر قلمروی اسلامی حکم راندند:

- یزید بن معاویه (۶۱-۶۴ ه.ق)؛
- عبدالله بن زبیر (۶۱-۷۳ ه.ق)؛
- معاویه بن یزید (چند ماه از سال ۶۴ ه.ق)؛
- مروان بن حکم (نه ماه از سال ۶۵ ه.ق)؛
- عبدالملک بن مروان (۶۵-۸۶ ه.ق)؛
- ولید بن عبدالملک (۸۶-۹۶ ه.ق).

۳-۴. دوران مبارزات در زندگی امام سجاد علیه السلام

۳-۴-۱. در کربلا

حضور آن حضرت در کربلا، مواضع او در سخنرانی‌هایی که در دوران اسارت ایراد کرد و برنامه‌ریزی‌هایش در هنگام رسیدن به مدینه، سه محور مهم در سیره زندگی امام سجاد علیه السلام به شمار می‌روند که باید درباره هر کدام از آنها اندیشید و در آغاز به دنبال شواهد عینی برای شناخت ابعاد مبارزه آینده او رفت. امام سجاد علیه السلام علی بن الحسین علیه السلام در نبرد کربلا در کنار پدرش امام حسین علیه السلام حضور داشته است و این مطلبی است که تمام منابع از آن یاد کرده‌اند. در منابع واقعه کربلا در برخی از بخش‌های سفر امام حسین علیه السلام به سوی شهادت از علی بن الحسین علیه السلام نام برده شده و نیز در گفت‌وگویی که میان امام و فرزندش علی صورت گرفته، نامی از او به میان آمده است هرچند مشخص نشده که آیا مراد از این علی، همان امام سجاد علیه السلام است و یا برادر او علی که در کربلا به شهادت رسید. مشهور است که مقصود از این علی، همان علی اکبر شهید است، ولی باز هم نمی‌توان بر آن تأکید کرد؛ زیرا شاید امام سجاد علیه السلام باشد (مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۵۳؛ مفید، ۱۴۱۶، ص ۳۰).

حضور امام سجاد علیه السلام در کربلا به چند دلیل با هدف مبارزه بوده است: اول، متون تاریخی نشان می‌دهد که امام سجاد علیه السلام در روز عاشورا مبارزه کرد تا آنجا که زخمی شد. در کهن‌ترین متن روایت شده از اهل بیت علیهم السلام آمده است و این متن درباره اسامی کسانی است که با امام حسین علیه السلام در کربلا حضور داشته‌اند و در کتاب تسمیه من قُتِلَ مع الحسین من اهل بیته و شیعه آمده و محدث زیدی، فضیل بن زبیر اسدی رسان کوفی از اصحاب امام باقر و امام صادق علیه السلام آن را گردآوری کرده است. در این کتاب چنین آمده است: «علی بن الحسین بیمار بود و درحالی که زخمی شده بود از صحنه جنگ بیرون برده شد. او در پاره‌ای از نبرد حضور داشت. خداوند از وی دفاع کرد و او به همراه زنان به اسارت گرفته شد. این متن به روشنی نشان می‌دهد که امام سجاد علیه السلام در کربلا جنگیده است؛ زیرا واژه «أُرْتَتْ» همین معنا را می‌رساند. این واژه را برای مجروحی به کار می‌برند که از میدان نبرد بیرون برده شود درحالی که تنها رمقی در او مانده باشد چنان که لغویون گفته‌اند: «این واژه مجهول است» (مطریزی، بی تا، ص ۱۸۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۶، ۲/۱۱۸).

۳-۴-۲. در اسارت

شجاعت امام سجاد علیه السلام در کوفه در مجلس حاکم آن شهر و در شام در مجلس فرمانروای آن از لحاظ سیاسی، کمتر از شجاعت در میدان نبرد نبود. برای نمونه در حالی که آن حضرت در اسارت بنی امیه است این سخنان را ایراد می‌کند: «ای مردم! هر سکوتی که در آن اندیشه نباشد، درماندگی است و هر سخنی که در آن یاد خدا نباشد گرد و غباری است که در هوا پراکنده می‌شود. هان، آگاه باشید که خداوند، اقوامی را به وسیله پدرانشان گرامی داشته است. بنابراین، فرزندان به وسیله پدران محفوظ مانده‌اند؛ زیرا خدا می‌گوید: «وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا؛ پدر آن دو صالح بود» (کهف: ۸۲). بنابراین، خداوند آن دو را گرامی داشت.

«به خدا سوگند، ما عزت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هستیم. از این رو ما را به خاطر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گرامی بدارید؛ زیرا جدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در منبرش می‌فرمود: «مرا در وجود عزت و خاندانم نگه دارید که هر کس مرا نگه دارد خدا او را نگه می‌دارد و هر کس مرا آزار دهد، پس لعنت خدا بر او باد. هان، بدانید که لعنت خدا بر کسانی است که مرا در میان آنان آزار دهند». حتی سه بار این سخن را تکرار فرمود: «به خدا سوگند ما خاندانی هستیم که خداوند پلیدی‌ها و گناهان زشت و آشکار و نهان را از ما زدوده است» (بحرانی، بی تا، ۹۵/۴). امام سجاد علیه السلام با صراحت، قدرت و بلاغت، کاروان اسیران را که خوارچشان می‌خواندند معرفی و تبلیغات دروغین را بر ملا کرد و بدین ترتیب، آشکار ساخت که کاروان از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله تشکیل شده است. همچنین با تلاوت آیات و احادیث، روشن کرد آن کاروان، حامل قرآن و سنت است تا فریب خوردگان بدانند که کاروان از راه دو منبع اسلامی یعنی، کتاب و سنت، رابطه‌ای بسیار محکم با اسلام دارد.

۳-۴-۳. در مدینه

امام سجاد علیه السلام به مدینه بازگشت تا مدینه را از باشندگان و صاحبانش یعنی، شخصیت‌های اهل بیت علیهم السلام خاموش و خالی ببیند. مردم نیز همگی خاموش و حیرت زده‌اند؛ زیرا می‌بینند که کاروان اهل بیت (ع) در حالی بازمی‌گردد که در میان آنان تنها علی بن الحسین علیه السلام به چشم می‌خورد و تنها چند کودک و زن او را همراهی می‌کنند، وقتی که خاندان امیه از ریختن خون حسین علیه السلام سبب پیامبر

خدا ﷺ آن هم در وسط روز خودداری نکند، چه کسی از گزند ستم و قدرت آنان در امان خواهد بود. مردم براساس عادتشان که از جایگاه‌های تهمت و موقعیت‌های خطرناک دوری می‌گزینند امام علی بن الحسین علیه السلام را رها کردند و از او دوری جستند و حتی کسانی که پیش از واقعه کربلا محبت خویش را به اهل بیت علیهم السلام آشکارا ابراز می‌کردند، پس از این واقعه محبت خود را پنهان می‌داشتند. امام سجاد علیه السلام از این برخورد و بی‌وفایی مردم این چنین سخن می‌گوید: «در مکه و مدینه حتی بیست نفر نیستند که ما را دوست بدانند» (ابن ابی الحدید، ۱۴۱۵، ۱۴۰/۴؛ علامه مجلسی، بی‌تا، ۱۴۳/۴۶). وقتی دوستان راستین اهل بیت علیهم السلام در پایتخت اسلام به این اندازه اندک باشند در شهرهای که دور از مرکز وجود اهل بیت علیهم السلام هستند وضع چگونه خواهد بود.

اگر فقط امام علی بن الحسین علیه السلام را که نص بر اثبات امامت او اقامه شده و هم او وارث عترت و رئیس اهل بیت علیهم السلام در دوران خویش است صاحب حق باشد، پس او امامی است که بار رسالت را بر دوش خواهد گرفت و باید نقشه اصلاح را مهیا کند تا نیروها را گرد آورد، مجموعه‌های پراکنده را جمع سازد، آرزو را به دل‌های مأیوس، امید را به چشمان ناامید و زندگی را به قلب‌های مرده بازگرداند. از سوی دیگر، امام علیه السلام باید در برابر دشمنان مقاومت ورزد، پندارها و تهمت‌های آنان را تکذیب کند، توطئه‌ها و نیرنگ‌هاشان را برملا سازد و نقشه‌ها و دام‌های آنان را بر هم زند.

۳-۴-۴. فعالیت فرهنگی امام سجاد علیه السلام

تاریخ‌نویسان که درباره زندگی امام سجاد علیه السلام قلم زده‌اند به‌ویژه پژوهش‌گران اجتماعی که می‌خاسته‌اند امام را از حیات سیاسی دور کنند به این قول هستند که آن حضرت سخت سرگرم امور دینی، روایت حدیث و آموزش بوده است. (زید علی محمد، بی‌تا، ص ۱۷) فعالیت‌های آن امام عبارت بود از: گسترش علوم، آموزش مردم، تربیت اخلاص‌مندان، تربیت عالمان و فقیهان و نظارت بر بازسازی جمعیت شیعه. تردیدی نیست که امام سجاد علیه السلام در تمام این زمینه‌ها نقش برجسته‌ای ایفا کرد، ولی هرگز هیچ‌کدام از این امور، بیرون از عملکرد سیاسی و یا جایگزین عملکرد سیاسی نبود بلکه آن وظایف از مهمترین کارهای پیامبران و امامان و حتی مصلحان سیاسی و بشری محسوب می‌شود که آنها

انجام می‌داده‌اند و به امت‌ها و ملت‌ها در سطح عالی می‌رسانده‌اند به‌ویژه آموزه‌های الهی را که برای آن برانگیخته و منصوب شده و به تبلیغ و انتشار آن موظف شده بودند؛ زیرا آنان را راه‌آشنایی مردم با آن آموزه‌ها هست و تنها امین آنها به‌شمار می‌روند.

اول) فراخواندن به قرآن و حدیث

امام سجاد علیه السلام از سال ۶۱ تا سال ۹۵ هـ. یعنی، در مدت یک-سوم از قرن نخست، امامت شیعیان را عهده داشت. قرن نخست، دورانی بود که حکومت از روایت، نقل، نوشتن و تدوین حدیث جلوگیری می‌کرد. هرچند بعدها این قانون جلوگیری با فرمان خلیفه اموی عمر بن عبدالعزیز برداشته شد. بی‌تردید، مبارزه امام سجاد علیه السلام برای ایستادن در برابر ممنوعیت حکومتی و پرداختن به روایت و نقل حدیث به معنای ستیزه‌جویی آشکار با دستوره‌های حکومت و سیاست آن است. آن حضرت از سنت پیروی می‌کرد و دیگران را هم به کاربرد و عملی ساختن آن فرامی‌خواند. از او روایت شده که فرمود: «بهترین کارها عمل کردن به سنت است هرچند اندک باشد» (برقی، ۱۳۷۱، ص ۲۲۱، ح ۱۳۳).

او کسی را که حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم را ریش‌خند می‌کرد به شدت مورد نکوهش قرار می‌داد و بر او نفرین می‌کرد و می‌فرمود: «نمی‌دانیم با مردم چه کنیم؟ اگر با آنچه از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدیم سخن بگوییم، می‌خندند و اگر سکوت اختیار کنیم در شأن ما نیست». مجموع احادیثی که از طریق امام سجاد علیه السلام نقل شده و نیز احادیثی که به‌طور مستقیم از خود حضرت نقل شده است، مجموعه‌ای از نصوص معتبر را تشکیل می‌دهد که انسان مسلمان می‌تواند بدان اطمینان پیدا کند. این احادیث از یک منبع مورد اعتماد نقل شده است که به سرچشمه‌های وحی و رسالت پیوند دارد و در این روایات، چیزی یافت می‌شود که فرد مسلمان به‌وسیله آن ره می‌یابد، از طریق آن مصالح خویش را می‌شناسد، تکالیفش را مشخص می‌سازد و ناامیدی را از خودش دور می‌کند، نظیر روایت مرفوعه آن حضرت که از پیامبر خدا روایت کرده است: «انتظار فرج، عبادت است» (اربلی، ۱۳۸۱، ۱۰۱/۲؛ شبیانی، بی‌تا، ۱۰۸/۱).

در شرایطی که امام زین‌العابدین علیه السلام زندگی می‌کرد، زمامداران خودسر درصدد بودند که حق و قرآن را از ریشه برکنند و این جنایت را از طریق کشتن افرادی که به‌منزله ارکان و نیز حافظان و مفسران قرآن بودند، عملی کنند. بنابراین، افزون بر مقدس بودن قرآن در نزد همه مسلمانان، فراخوانی به سوی

آن از واجب‌ترین واجب‌ها بر امامان علیهم‌السلام بود و زمامداران ستمگر هم نتوانستند از احترام و خواندن قرآن و دعوت به سوی آن جلوگیری کنند. امام زین‌العابدین علیه‌السلام با تلاش فراوان در این زمینه به پا خاست. برای نمونه در حدیث آمده است که آن حضرت فرمود: «بر شما باد به قرآن؛ زیرا خداوند بهشت را با قدرت خویش آفرید. یک خشت آن از طلا و خشت دیگرش از نقره است و ملاط آن را از مشک، خاک آن را از زعفران، شن‌هایش را از مروارید قرار داد و پله‌های آن را به اندازه آیات قرآن مقرر کرد. بنابراین، هر کس از این آیات بخواند به او می‌گوید: «بخوان و بالا برو» و کسی را که وارد بهشت می‌شود در بهشت، درجه‌ای بالاتر از او نباشد، مگر برای پیامبران و راست‌گویان» (بحرانی، بی‌تا، ۱۵۶/۳).

دوم) اندیشه و عقیده در امور

عقیده جبر: خطرناک‌ترین چیزی که امویان در میان امت رواج دادند و بر شیوع آن پای فشردند، اندیشه جبر الهی بود. هدف آنها از ترویج این اندیشه آن بود که بر سرنوشت مردم مسلط شوند و پس از بدن‌ها بر اندیشه‌ها سیطره یابند. وقتی که امت به جبر اعتقاد پیدا کنند، معنایش آن است که هر آنچه بر سر آنها می‌آید از سوی خدا و با اجازه اوست. برای مثال، آنچه را که خلیفه بدان اقدام می‌کند مانند فساد، ستم، استبداد، کشتار، چپاول و تصرف‌های ناروا از سوی خداست. درحالی‌که خداوند، بالاتر از چنین پنداری است. در این صورت، امت در برابر ستمگر و ستم‌هایش تسلیم می‌شود و برای رهای از حکومت و دفع ظلم، کوششی نمی‌کنند و حتی درباره‌های از چنگال او نمی‌اندیشند؛ زیرا اگر چنین کنند با اراده و مشیت خدا مخالفت کرده‌اند؛ زیرا خلیفه، امیر، حاکم و فرمان‌روا تنها اراده خدا را به اجرا درمی‌آورند و نمایندگان خدا در میان بندگان او هستند. همین عقیده بود که به سلطه امویان بر سرزمین‌ها و بندگان قوت بخشید و به آنها امکان داد که با کمال گستاخی و بی‌شرمی ابوعبدالله الحسین – سبط پیامبر خدا – را به شهادت برسانند. یزید آشکارا گفت: «همانا حسین را خدا کشته است» و این سخن را در مجلس خود و در برابر مردم اعلام کرد، ولی امام سجاد علیه‌السلام این سخن یزید را بدون پاسخ نگذاشت و آن را رد کرد و فرمود: «"الله یتوفی الانفس حین موتها..." (زمر: ۴۲)، پدرم را مردم کشتند».

عقیده تشبیه و تجسیم: دشمنان اسلام پس از آنکه زمام حکومت را در دست گرفتند تا آنجا گستاخ شدند که به زیربنای باور اسلامی که همان توحید الهی است، دست اندازی کردند. بدین ترتیب که شبهه تجسیم و تشبیه را در اذهان مردم وارد ساختند تا بدین وسیله آنان را از حق دور کنند و به بت پرستی دوران جاهلیت بکشانند. در دوران امام سجاد علیه السلام و پس از زمانی که سلطه اموی مانند بیماری واگیردار به همه جا سرایت کرد و حکومت این ملحدان استوار شد و آنان جرأت پیدا کردند که با کمال بی شرمی، این اندیشه‌های انحرافی را در مراکز عمومی و حتی در مسجد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اعلام کنند، وظیفه امام سجاد علیه السلام بسیار حساس و سنگین شد؛ زیرا او نماینده خاندان پیامبر بود و حتی تنها مردی بود که پیوند محکم با منابع شناخت اسلامی داشت، آن هم نزدیک‌ترین و مطمئن‌ترین راه‌ها و درست‌ترین سندها.

امام سجاد علیه السلام با وجود اینکه یارانش اندک بود در برابر این موج کفرآمیز و ویران‌گر ایستاد و با ارائه دلایل و بیان هایش دیوار بلندی را پیش روی احیای مجدد بت پرستی برافراشت. در این راستا امام به ارائه سخنانی پرداخت که حق را به روشنی بیان کند و نشان‌گر یکتا پرستی و منزّه بودن خداوند از هرگونه تشبیه و تجسیم بوده، دلایل نیرومند عقلانی، آن را پشتیبانی کند. او اندیشه درست اسلامی را آشکار ساخت و شمشیر حق و دانش و خرد را بر روی آن شبهات باطل برکشید.

در حدیثی آمده است که امام زین العابدین علیه السلام روزی در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله بود. ناگهان شنید که گروهی خدا را به آفریدگانش تشبیه می‌کند. پس، سراسیمه و نگران شد و برخاست و به نزد مرقد پیامبر خدا آمد و در آنجا ایستاد و صدایش را بلند کرد، در حالی که در پیشگاه پروردگارش دعا می‌کرد و در دعایش چنین گفت: «خدایا! قدرت تو آشکار شد، ولی هیبت تو نهان ماند و تو را نشناختند و برخلاف آنچه هستی، اندازه‌ات کردند. من از کسانی که تو را تشبیه جست و جو کردند بیزارم در حالی که هیچ چیزی همانند تو نیست. ای خدا و آنان هرگز تو را در نمی‌یابند، نعمت آشکاری که آنان در اختیار دارند اگر تو را بشناسند راهنماییشان به سوی توست و در میان خلقت راهی وجود دارد که به تو برسند، آنان حتی تو را با خلقت برابر ساختند و به همین سبب، تو را نشناختند. آنان برخی از نشانه‌های تو را برگرفتند و با همان نشانه‌ها توصیف کردند و تو از آنچه تشبیه کنندگان تو را بدان توصیف کرده‌اند،

برتری» (اربلی، ۱۳۸۱، ۳/۸۹؛ شیخ صدوق، ۱۳۹۰، ص ۴۸۷). این رفتار امام، مبارزه‌ای آشکار با سیاستی است که حکومت آن را فرآپیش گرفته بودند و بی‌تردید در پشت آن قرار داشتند و اگر پشتیبانی حکومت نبود، چه کسی می‌توانست این جرأت را به خود بدهد که این اندیشه ضد توحیدی را اعلام کند.

سوم) خواندن دعا

از برجسته‌ترین مظاهر بی‌ظنیر در سیره امام زین‌العابدین علیه السلام دعاهای است که از او نقل شده است. برجستگی دعاهای منقول از آن حضرت به این دلایل است:

- فراوان بودن، طولانی بودن و شهرت داشتن و رایج بودن؛ زیرا این دعاها از چنان سبک پر جاذبه‌ای برخوردار است که دل‌ها را به خود جلب می‌کند و روان‌ها و جان‌ها با آنها هم‌ساز می‌شود و نیز چنان مفاهیم بلندی دارد که خرده‌ها و اندیشه‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

دعاهای امام سجاد علیه السلام ابعاد فکری بسیار گسترده دارد و این به دلیل نصوص سرنوشت‌ساز این دعاها درباره مسائل عقیدتی اسلام است؛ زیرا پس از زمانی که گرایش‌های الهادی مانند تشبیه، جبر، ارجاء و امثال آن عقیده اسلامی را مورد هجوم قرار داد، نیاز شدید به وجود نص قاطعی که عقیده اسلامی را محکم و بدون ابهام بیان کند، احساس می‌شد. امویان سخت درصدد برانگیختن و ترویج این گرایش‌های انحرافی بودند با این هدف که مسیر توحید و عدالت را تحریف کنند تا زمینه برای دست برداشتن از اسلام و بازگشت به دوران جاهلیت نخست آماده شود. در شرایطی که تمام مبارزان آزادی‌خواه، سرکوب و تبعید می‌شدند و تحت پی‌گرد قرار می‌گرفتند و صدایشان در گلو خفه می‌شد، تصمیم امام زین‌العابدین علیه السلام مبنی بر درپیش گرفتن روش دعا و مناجات، بهترین ابزار برای انتشار حقایق و جاودانه ساختن آن، امن‌ترین و دورترین راه از تحریک حکومت بیدادگر و نیرومندترین وسیله ارتباط پنهان، آرام مورد اعتماد بود.

همچنین، نصوص دعاهای او بازتاب نیرومندی در عرصه‌های ادب داشت. ادبیات از موقعیت والایی در دل‌های امت‌ها و به‌ویژه ملت عربی برخوردار بود و در اذهان و خاطره‌هایشان ثابت و استوار

برجای می‌ماند. امامان از تأثیر ادبیات بر مردم بهره می‌گرفتند و بدان اهمیت می‌دادند و سخنانشان را بر انواع ادبیات زیبا و پیشرفته عربی، خواه نثر و خواه شعر، پیوند می‌زدند. شاعران را وادار می‌کردند که مسائل فکری و حق را در اشعارشان بگنجانند و آنها را در میان مردم ترویج کنند. امامان در طول خط امامت، شاعران دانشمند شعر را برمی‌انگیختند تا مسائل عقیدتی را به گونه‌ای به نظم درآورند که به تثبیت حق و فراخوانی به اسلام از طریق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام منجر شود تا آنجا که این حدیث از سوی این امامان شهرت یافته است.

امامان با تلاش‌هایی که انجام دادند این مسیر ادبی را تغییر دادند و آن را به سوی راه‌های امن، اهداف شرعی و پای‌بندی به ادبیات هدفدار هدایت کردند تا موجب بالا رفتن سطح اخلاقی، فکری و فرهنگی مردم شود. امام زین‌العابدین علیه‌السلام ادبیات عرب را به وسیله انبوهی از نصوص معتبر، آن هم در قالب دعا‌های که از زیباترین نمونه‌های ادبیات عرب در نثر به‌شمار می‌رود، غنی ساخت. در میان مجموع، دعا‌هایی که از امام زین‌العابدین علیه‌السلام نقل شده، دعا‌های صحیفه سجادیه برجستگی خاصی دارد و در میان دعا‌های او می‌درخشد؛ زیرا این کتاب، تألیف خود امام و دیکته اوست و به همین دلیل، علما برای آن، جایگاه ویژه‌ای در میراث اسلامی گشوده‌اند و هنرمندان، زیباترین هنر خویش مانند خط و زیباسازی را در آن به‌کار برده‌اند و دعاکنندگان در پای‌بندی و قرائت و علما در شرح و روایت، توجه زیادی به آن نشان داده‌اند.

سخن گفتن درباره این کتاب بزرگ و اثر علمی آن از لحاظ عقیدتی و تمدنی و اثر اجتماعی آن به کوشش و تخصص و نیز به وقت و زمینه‌ای گسترده‌تر از این بخش کتاب نیاز دارد. اگر انسان، شرایط امام زین‌العابدین علیه‌السلام و موقعیت اجتماعی او را مدنظر قرار دهد و ستمگری‌ها و تبه‌کاری‌ها زمامداران خودسر را بخواند و میان مفاهیم صحیفه و نمونه‌های عملکردهای این زمامداران ستمگر مقایسه کند، برایش روشن خواهد شد که امام از طریق این کتاب به مبارزه آشکار بر ضد حکومت وقت و نقشه‌های او دست زده است. نقشه‌هایی که کیان جامعه اسلامی را هدف گرفته است تا آن را متزلزل کند.

۴. نتیجه‌گیری

روشن شد که عصر امام سجاد علیه السلام یکی از پراختناق‌ترین دوران‌های تاریخ اسلام برای شیعیان بوده است. دوره‌ای که شیعیان، هم از بعد اعتقادی و هم از بعد سیاسی، در شرایطی سختی به سر می‌بردند، تشکیلات و انسجام آنها فروپاشیده بود و در آستانه انقراض قرار گرفته بودند. امام سجاد علیه السلام با بهره‌گیری از اصل تقیه، هستی و دوام شیعه را حفظ کرد و در پوشش آن، به هدایت و رهبری جامعه پرداخت و با تبیین فرهنگ اصیل اسلامی در قالب پند و اندرز و دعا و نیایش، معارف متعالی دینی را برای جامعه آن روزگار به ارمغان آورد. حضرت با تربیت نیروهای صالح و عالم و زنده نگه داشتن یاد و خاطره نهضت عاشورا، موضع‌گیری‌های متقن و محکمی در برابر اعمال و رفتار امویان و شورش‌ها و قیام‌های عصر خویش داشت. برخورد و مبارزه با جریان‌های انحرافی، تربیت اخلاقی و روحی جامعه اسلامی از راه ارائه سیره عملی خویش و احیای سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام که در آن زمان، فقط نامی از آن باقی مانده بود. ایشان به بهترین وجه، رسالت بزرگ هدایت و رهبری شیعه را به انجام رساند و زمینه انقلاب فرهنگی و علمی را برای دو امام بعدی امام باقر و صادق علیه السلام فراهم آورد. آنچه در پایان این نوشتار استنتاج می‌شود، به شرح ذیل است:

- برخلاف اعتقاد بعضی از مورخان و نویسندگان شیعه و سنی مبنی بر اینکه امام سجاد علیه السلام پس از واقعه کربلا از مردم کناره گرفت و به امور عبادی و فردی خویش پرداخت در نوشتار حاضر با رد این دیدگاه باطل، تبیین شد که حضرت، نقش فعالی در جامعه اسلامی به‌ویژه جامعه شیعی داشت و با اهتمام به وضعیت شیعیان، آنان را از خطر انقراض نجات داد.

اگرچه امام سجاد علیه السلام همچون پدر بزرگوارش به دلیل اوضاع و شرایط حاکم بر عصر خویش، اقدام به مبارزه مسلحانه نکرد، اما این بدین معنا نبود که حضرت رسالت بزرگ هدایت و رهبری را مهمل گذارد و جامعه اسلامی را به حال خود رها کرد تا امویان هرچه خواهند بر سر آن بیاورند، بلکه حضرت با استفاده از سپر تقیه و با تغییر در روش مبارزه که شرایط حاکم آن را می‌طلبید این مهم را به انجام رساند.

امام زین العابدین علیه السلام در انجام رسالت الهی خویش نه تنها از روش پند و ارشاد امت و ارائه معارف بلند دینی در قالب دعا استفاده کرد بلکه با انواع کمک‌های مالی و ارائه سیره صحیح زندگی که سعادت دنیوی و اخروی جامعه را تضمین می‌کرد به ترتیب نیروهای متعهد و دانا همت گماشت و در این راه از هیچ اقدامی فروگذار نکرد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم
- * نهج البلاغه (۱۳۸۷). محقق: صبحی صالح. بیروت: بی‌نا.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۹۰). الامالی. بیروت: منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
 ۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۱۴). عیون اخبار الرضا علیه السلام. قم: ذوی القربی.
 ۳. ابن حجر احمد هیتمی مکی (۱۳۱۲). الصواعق المحرقة. مصر: المطبعة المیمیه.
 ۴. ابن شهر آشوب مازندرانی، ابو جعفر محمد بن علی (۱۳۸۰). مناقب آل ابی طالب. نجف: المطبعة الحیدریه.
 ۵. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد بن احمد (بی‌تا). الفصول المهمه. تهران: مؤسسه اعلمی.
 ۶. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۶). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۷. ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب (۱۳۷۳). تاریخ یعقوبی. قم: منشورات شریف رضی.
 ۸. ابن ابی الحدید، عزالدین عبدالحمید بن محمد (۱۴۱۵). شرح نهج البلاغه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۹. الاربلی، ابوالحسن علی بن عیسی ابی الفتح (۱۳۸۱). کشف الغمه فی معرفه الثمه. تبریز: مکتبه بنی هاشمی.
 ۱۰. اسدی کوفی، فضیل بن رسان (۱۴۰۵). تسمیه من قتل مع الحسین علیه السلام. تحقیق: حسینی جلالی، سید محمدرضا. بی‌جا: بی‌نا.
 ۱۱. امین عاملی، سید محسن (۱۳۸۰). اعیان الشیعه. بیروت: مطبعة الانصار.
 ۱۲. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (بی‌تا). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
 ۱۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد قمی (۱۳۷۱). المحاسن. قم: دار الکتب الاسلامیه.
 ۱۴. بلذری، احمد بن یحیی (۱۳۹۷). انساب الشراف. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
 ۱۵. تستری، شیخ محمد تقی (۱۴۱۶). تواریخ النبی صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام. قم: دار الشرافه.
 ۱۶. حائری، شیخ جعفر عباس (۱۳۸۵). بلاغه علی بن الحسین علیه السلام. بی‌جا: مطبعة الكربلا.
 ۱۷. خنجی اصفهانی، فضل الله بن روزبهان (۱۳۷۵). وسیله الخادم الی المخدوم. قم: انتشارات انصاریان.
 ۱۸. سیوطی، جلال الدین (بی‌تا). الجامع الصغیر. قاهره: بی‌نا.
 ۱۹. شبلنجی، مؤمن (بی‌تا). نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی صلی الله علیه و آله و آلهم علیهم السلام. قم: الشریف الرضی.
 ۲۰. شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۶). تاریخ تحلیلی اسلام. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
 ۲۱. الصفار القمی، محمد بن الحسن بن فروخ (۱۴۰۴). بصائر الدرجات. تصحیح و تعلیق: کوجه باغی تبریزی، میرزا محسن. قم: منشورات مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.
 ۲۲. الطبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۱۷). اعلام الوری. قم: مؤسسه آل بیت علیهم السلام لاحیاء التراث.

۲۳. الطوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن بن علی (۱۴۰۴). اختیار معرفه الرجال (معروف به رجال کشی). تحصیص و تعلیق: میرداماد استرآبادی. قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۲۴. علی محمد زید (۱۹۸۱). معتزله اليمين. بيروت: مركز الدراسات والبحوث اليميني.
۲۵. كليني، محمد بن يعقوب (۱۳۶۳). اصول كافي. تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بيت عليه السلام.
۲۶. مرد، ابوالعباس محمد بن يزيد (۱۴۱۹). الكامل في اللغة والادب. محقق: هندأوى، عبدالمليک. بيروت: دارالکتب العلميه.
۲۷. مجلسي، محمد باقر (بی تا). بحار الانوار. بيروت: بی تا.
۲۸. محمد بن جرير بن رستم طبری (۱۴۱۳). دلائل الامامه. قم: منشورات الراضي.
۲۹. محمد صبان (۱۳۸۴). نور الأبصار في مناقب آل بيت النبي المختار و بهامشه كتاب اسعاف الراغبين في سيره المصطفى و فضائل اهل بيت. قاهره: دار شقرون.
۳۰. مطرزي، ناصر بن عبد السيد بن علی (بی تا). المغرب. بيروت: دارالكتاب العربي.
۳۱. مظفر، محمد حسين (بی تا). تاريخ الشيعة. قم: منشوراه مکتبه بصيرتي.
۳۲. مغنيه، محمد جواد (۱۹۸۱). الشيعة والحاكمون. بيروت: منشورات دار مکتبه الهلال و دار الجواد.
۳۳. مفيد، محمد بن محمد (۱۴۱۳). الاختصاص. تحصیص و تعلیق: غفاري، علی اکبر. قم: المؤتمر العالمي لالفیه الشيخ المفيد.
۳۴. مفيد، محمد بن محمد (۱۴۱۳). الإرشاد الى حجج الخلق على العباد. نجف: چاپخانه حيدري.
۳۵. واقدي، محمد ابن سعد (۱۴۱۰). الطبقات الكبرى. بيروت: دارالکتب العلميه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی